

گفتگو با صدیقه و سَمقی؛

در قران و روایات سندی برای پوشش اجباری وجود ندارد

گفتگو با صدیقه و سَمقی

(

زیتون- فیروزه رمضان زاده: با نزدیک شدن فصل گرما در تهران و شهرهای بزرگ ایران، نیروی انتظامی این بار با در پیش گرفتن طرحی بحث برانگیز به نام « گشت نامحسوس» به عنوان مکملی برای گشت‌های ارشاد وارد عمل شد تا آزادی شهروندان در انتخاب نوع پوشش را با ابزاری به نام « بدحجابی» سلب کند. طرح تازه اما به دلیل بازخوردهای منفی که درباره‌اش ایجاد شد به حال تعلیق درآمده هرچند که گشت‌های ارشاد به شیوه سابق و علنی در خیابان‌ها و میادین اصلی شهرهای بزرگ حضور دارند و با بهانه‌هایی مانند تنگ بودن مانتو و عقب رفتن روسریاز روی سر با شهروندان برخورد می‌کنند.



صدیقه و سَمقی، نویسنده و دین پژوه، در گفتگو با زیتون معتقد است: این حساسیتی که در جمهوری اسلامی نسبت به حجاب زنان وجود دارد یک مسئله حیثیتی شده است. آنان نتوانسته‌اند یک الگو و مدل موفق از یک حکومت دینی ارائه دهند و دیواری کوتاه‌تر از دیوار زنان ندیدند. در نتیجه می‌خواهند با تحمیل حجاب بر آنان حفظ ظاهر کنند. حال که در تمام زمینه‌ها عدم موفقیت بوده و اختلاس، اعتیاد، فحشا، بیکاری و بسیاری مشکلات دیگر بیداد می‌کند اگر حجاب هم از سر زنان برداشته شود دیگر چه می‌ماند که ادعا کنند حکومتان اسلامی است.»

مشروح کامل این گفتگو در ادامه آمده است:

خانم و سَمقی، به نظر شما چرا برداشت‌ها از کتاب و سنت درباره حجاب در جوامع اسلامی تا این اندازه متفاوت است؟

حجاب زنان از مقولاتی است که در طول تاریخ تغییر و تحول یافته است. با توجه به تسلط مردان بر زنان و با توجه به اینکه حوزه دین یک حوزه کاملاً مردانه بوده است، حدود حجاب و کیفیت پوشش زنان را نیز مردان تعیین کرده‌اند. باید بگویم که مردان از اعمال سلیقه‌ی خود در تعریف پوشش زنان به هیچ وجه خودداری نکرده‌اند. عرف جوامع گوناگون نیز در این موضوع بی‌تاثیر نبوده است. شاید سخت گیرانه‌ترین شکل پوشش زنان در جوامع اسلامی متعلق به سرزمین حجاز و سرزمین‌های نزدیک به آن باشد که مشترکات فرهنگی بیشتری نیز با هم دارند. این در حالی است که شواهد و قرائن

تاریخی گویای چنین سخت گیری در میان اولین مسلمانان و قرون اولیه پس از اسلام نیست. تعریفی که امروز در جمهوری اسلامی از حجاب زنان ارائه می‌شود از منابع دست اول اسلام به دست نمی‌آید. قرآن صریحا اشاره‌ای به پوشاندن موی سر زنان و لزوم این کار ندارد، همانطور که گفتم این تعریف از پوشش تحت تاثیر عرف و سلیقه شکل گرفته است و بازنگری در این موضوع ما را به نتایج متفاوتی می‌رساند. اینکه بسیاری از موضوعات سنتی، عرفی و برداشتهای سلیقه‌ای به عنوان احکام شرعی و اسلامی به مردم معرفی شده، منحصر به حجاب نیست. اکثر قریب به اتفاق قوانین فقهی همان سنتهای کهن است که در زندگی پیروان اولیه اسلام جاری بوده و دلیل قانع کننده‌ای مبنی بر اینکه اینها احکام شرعی بوده و ما ملزم به رعایت آنها هستیم در دست نیست. تفسیر مورد علاقه مسئولان جمهوری اسلامی از حجاب، جدا یک تفسیر قابل مناقشه است. اگر امکان بحث و گفتگو و ارائه نظرات مختلف در این زمینه وجود داشت، حجاب به یک معضل برای زنان و نظام تبدیل نمی‌شد. نمی‌توان یک تعبیر سخت گیرانه و بی‌مبنا را با زور بر زنان تحمیل کرد.

آیا از نظر شما حجاب اجباری امری غیراخلاقی نیست؟

بله! حتی اگر برای حجاب با تعبیر مورد ادعای جمهوری اسلامی مدارک قطعی نیز وجود داشت باز هم تحمیل آن با زور کاری غیر اخلاقی و غیر مشروع بود تا چه رسد به اینکه برای چنین تعبیری دلایل مطمئنی هم وجود ندارد. اختیار و آزادی انسان برای انتخاب روش زندگی و به ویژه در امور کاملا شخصی مانند چگونگی لباس پوشیدن از اسباب عزت و شرف انسان است که متأسفانه در جمهوری اسلامی از ما سلب شده است.

آیا در پژوهشهای قرآنی خود اصلا به این نکته برخورد کرده‌اید که بی‌حجابی باید در جامعه منع شود و برای آن مجازاتی در نظر گرفته شود؟

همانور که قبلا گفتم پژوهشهای من تعبیر رایج جمهوری اسلامی از حجاب را تایید نمی‌کند. حتی اگر هم این تعبیر موجه بود تحمیل آن را خلاف عزت و شان انسانی می‌دانم. در قرآن و آنچه که سنت خوانده می‌شود هیچ مجازاتی برای عدم رعایت پوشش بیان نشده است. هیچ شاهد تاریخی موید آن نیست که در زمان پیامبر و حتی پس از آن زنی به دلیل پوشش مجازات شده باشد. پوشش و شرایط زندگی اولین پیروان اسلام بسیار با تصورات ما از آن متفاوت است. بعلاوه من اساسا معتقدم که قوانین زندگی تقلیدی نیست، تقلید از قوانین زندگی دیگران به صورت کورکورانه و بدون توجه به شرایط و مقتضیات زندگی خودمان، ولو تقلید از اولین پیروان اسلام، هیچ دلیل عقلی و شرعی ندارد بلکه می‌توان گفت مردود است. حتی اگر بخواهیم با نگاه سنتی نیز به موضوع بنگریم و در قرآن و سنت به دنبال مجازات بی‌حجابی و بدحجابی بگردیم باز هم دستمان خالی می‌ماند. باید اضافه کنم که حوزه ی تعریف جرم و مجازات باید معقول باشد، در غیر این صورت جرم و مجازات بی‌اعتبار می‌شود. اگر یک حق قانونی تزییع شود جرم اتفاق می‌افتد. وضع قانون برای تحمیل حجاب و یا مجازات زنان به دلیل پوشش آنان از نظر حقوقی و قضایی در دنیای امروز بی‌معناست و همانطور که گفتم حتی چهارده قرن قبل نیز در میان نخستین مسلمانان نمی‌توان شاهدی برای آن یافت.

واقعیت این است که در طول سی و چند سال گذشته به موضوع حجاب بسیار بد پرداخته شده است. اندیشه‌ی نادرست نسبت به زن و پوشش او حجاب را به یک موضوع اصلی و در واقع به یک معضل تبدیل کرده است، تا جایی که در این رابطه گاهی سخنان عجیبی از برخی شنیده می‌شود. یکی می‌گوید بدحجابی بدتر از رباخواری است، آن دیگری می‌گوید از اختلاس بدتر است. این اظهارات از یک سو نشان دهنده بینش غلط نسبت به زن و حجاب است و از سوی دیگر بیانگر نگاه

مسئولین به مشکلات کشور و نادرستی ارزیابی بسیاری از آنان در تشخیص اهم و مهم مسائل است که البته وضعیت نابسامان کشور خود گویای این واقعیت تلخ است.

به عقیده‌ی من پوشیدن لباس یکی از دستاوردهای تمدن است و نحوهٔ برخورد اسلام با موضوع پوشش، تشویق زنان و مردان به پوشیدن لباس در برابر برهنگی بود. اسلام در این رابطه زبان تشویق داشت و نه تهدید. به این موضوع نیز باید توجه کنیم که نپوشاندن موی سر در هیچ عرفی برهنگی محسوب نشده است و عرفا لباس به چیزی گفته می‌شود که سایر اندام‌های بدن را می‌پوشاند و به پوشش سر لباس گفته نمی‌شود. تعبیر جامعه‌ی ما از برهنگی نیز افراطی و غیرمتعارف است. برهنگی در جامعه‌ی ما موضوعیت ندارد. حتی هنگام ظهور اسلام نیز مردم ایران با پدیده لباس آشنا بودند، در حالی که بسیاری از تازه مسلمانان هنوز با لباس‌آشنایی نداشتند و همه اندام‌های خود را نمی‌پوشاندند. بنابراین جا دارد که درباره‌ی حجاب و لباس در دیدگاه‌های افراطی که موجب آزار و اذیت زنان شده است تجدید نظر شود.

پس در هیچ یک از کتب دینی و روایات برای اجباری بودن

حجاب هیچ دلیل متقنی نیامده؟

به هیچ وجه در هیچ آیهٔ قرآنی و هیچ روایتی مجوزی برای مجبور کردن زنان به پوشاندن خود به گونه‌ای که امروز گفته می‌شود صادر نشده است. در هیچ آیه و حدیثی مجازاتی در رابطه با پوشش نیامده است. هیچ سند تاریخی گویای آن نیست که در زمان پیامبر اسلام زنی به خاطر عدم رعایت پوشش و حتی به دلیل برهنه بودن مجازات شده باشد. اساساً مقوله‌ی لباس چنین موضوعیتی که در جمهوری اسلامی دارد، نداشته است و من نمی‌دانم این دیدگاه را برخی مسئولین از کجا آورده‌اند.

پس اینکه گفته می‌شود در روایت‌هایی آمده است که اگر یک تار موی زنی را مردی نامحرم ببیند در فلان طبقه از جهنم جایگاه اوست، آیا چنین روایاتی دارای شبهه و تحریف شده هستند؟

ببینید، بحث درباره‌ی روایات و اعتبار آن‌ها مفصل است و من

در برخی کتاب‌هایم به آن پرداخته‌ام. در برابر اینگونه روایات که به آن‌ها اشاره کردید روایات دیگری نیز وجود دارد، روایاتی که مضمون دسته‌ی دیگر را رد می‌کند. اما مهم‌تر از آنچه گفتم به عقیده‌ی من این است که اعتبار اکثر قریب به اتفاق روایات برای صدور حکم شرعی جدا زیر سوال است، زیرا سند حکم شرعی باید قطعی باشد در حالی که سند روایات قطعی نیست. ما نمی‌توانیم با استناد به این روایات که بسیاری از آن‌ها جعلی و بسیاری از آن‌ها نظر راویان و تحت تاثیر دیدگاه و دانش و بینش آنان است بگوییم که خداوند از ما خواسته که چنین لباس بپوشیم و اگر نپوشیم باید متحمل مجازات شویم. نسبت دادن چنین ادعاهایی به اسلام، دروغ بستن به اسلام، تحقیر و بی‌اعتبار کردن اسلام است. تجربه‌ی

توصیهٔ اسلام به استفاده از لباس یک توصیه متریقی بوده است. اسلام با این توصیه نمی‌خواست اسباب آزار و اذیت زنان را فراهم کند. با این مقوله برخورد پلیسی نمی‌شد. آنچه که در جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد یک بدعت زشت و ناپسند است که متأسفانه به اسلام نسبت داده می‌شود.

چند دهه گذشته نیز نشان می‌دهد که با نسبت دادن برداشتهای خود به اسلام دیگر نمی‌توان مردم را به پذیرش آن مجاب کرد. ادعاها باید عقلانی و مستدل باشد.

آیا فکر می‌کنید ارزش‌ها و هنجارهای زمان پیامبر در باره حجاب به زمان فعلی قابل تعمیم است؟

خیر. در بحث‌های اولیه‌ام عرض کردم که به هیچ وجه اعتقاد ندارم که ما ملزم هستیم قوانینی را که در زندگی مسلمانان صدر اسلام جاری و ساری بوده اجرا کنیم. من اساساً با اینکه این قوانین را قوانین شریعت بخوانیم مخالفم و فکر می‌کنم که این دیدگاه اصلاً پایه‌های استدلالی صحیحی ندارد، چه در رابطه با حجاب، چه در رابطه با دیگر موضوعات نظیر حقوق زنان و یا قوانین جزایی. در هیچیک از این موارد دلیلی نداریم که بخواهیم آن قوانین را امروز اجرا کنیم. وابستگی قوانین به شرایط زندگی مردم در هر جامعه روشن‌تر از آن است که قابل انکار باشد. قوانین زندگی اولین مسلمانان در مدینه نیز با شرایط و خصوصیات زندگی خود آن‌ها تناسب داشته است. قوانین ما نیز باید با ویژگی‌های زندگی امروزمان مناسب باشد. اسلام این رویه عقلانی را تأیید می‌کند. در باره حجاب نیز همین‌گونه است. به نظر می‌رسد که در آن زمان در رابطه با موضوع حجاب راحت‌تر و آزادانه‌تر برخورد می‌کردند. توصیه اسلام به استفاده از لباس یک توصیه متری بوده است. اسلام با این توصیه نمی‌خواست اسباب آزار و اذیت زنان را فراهم کند. با این مقوله برخورد پلیسی نمی‌شد. آنچه که در جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد یک بدعت زشت و ناپسند است که متأسفانه به اسلام نسبت داده می‌شود.

به نظر شما چرا فقها بعد از انقلاب به موضوع حجاب تا این

اندازه حساسیت نشان دادند؟

پیش از انقلاب هم حساسیت وجود داشت، اما قدرت تحمیل آن را نداشتند. به طور کلی در جوامع اسلامی که فقها به نام اسلام، حفاظت از سنت را بر عهده دارند حساسیت نسبت به زنان بالاست، نه فقط نسبت به حجاب، بلکه نسبت به حقوق زن نیز حساسیت وجود دارد. پشت این حساسیت، مقاومت مردان در برابر افزایش حقوق زنان نهفته است. البته درباره حجاب در هیچ کشور اسلامی شاهد رفتارهایی نظیر آنچه در جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد، نیستیم. بعد از انقلاب حجاب بیشتر از آنکه یک موضوع دینی باشد به یک موضوع سیاسی و حتی حیثیتی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است. از یک طرف

جامعه مدنی و حتی نخبگان هنوز به طور شایسته در برابر ستمی که به زنان می‌شود موضع‌گیری نکرده‌اند. من فکر می‌کنم در آینده با حضور افراد آگاه‌تر این مسئله حل خواهد شد، زیرا چاره‌ای جز این نیست.

زنان خواستار حقوق برابرند و روحانیت سنتی گمان می‌کند اگر زنان به حقوق برابر دست یابند اسلام به خطر می‌افتد! آنان گمان می‌کنند اگر حجاب آزاد باشد زنان به حقوق بیشتری دست خواهند یافت. محدودیت زنان در ورزش، سینما و دیگر زمینه‌ها کاسته خواهد شد. ترس آنان از رفع این محدودیت‌ها، ترس از وقوع یک تحول در وضعیت اجتماعی است، تحول اجتناب‌ناپذیری که اتفاق افتاده است اما با این رفتارهای پلیسی پرهزینه فقط می‌خواهند آن را پنهان کنند. آنان می‌خواهند چشم خود را بر این واقعیت که زن امروز مانند زن قرن‌ها پیش نیست ببندند. با این رفتارها نمی‌توان از


تحولات اجتماعی که لازمهٔ حیات و بقای جوامع بشری است جلوگیری کرد، اما با این رفتارها ناهنجاری‌ها، نارضایتی‌ها، شکاف میان حکومت و مردم و دین‌گریزی افزایش می‌یابد. اگر دین در مقابل حقوق و آزادی‌های انسانی قرار داده شود مردم به حکم عقل، حقوق و آزادی‌های انسانی را برمی‌گزینند. نکته دیگر این است که جمهوری اسلامی نتوانسته یک الگوی موفق از حکومت دینی ارائه کند. در تمام زمینه‌ها نابسامانی وجود دارد، فساد اداری، فساد گسترده مالی در دستگاه‌های حکومتی، بیکاری و فقر گسترده علیرغم ثروت‌های ملی و تنش مستمر میان نهادهای حکومتی معرف ناکارآمدی ساختار حقیقی و حقوقی موجود در حل و فصل معضلات است. در چنین شرایطی اگر حجاب هم از سر زنان برداشته شود دیگر چه چیزی وجود دارد که با استناد به آن ادعا شود که این حکومت اسلامی است؟ زنان در واقع قربانی بی‌کفایتی‌ها و بی‌تدبیری‌ها شده‌اند. در حالی که حجاب اجباری خود نیز از مصادیق ظلم است و وجهه جهانی جمهوری اسلامی را نیز بسیار تخریب کرده است. شاید اگر از آغاز با این مسئله با احتیاط و آینده‌نگری برخورد می‌شد به اینجا نمی‌رسیدیم. اتفاقی که افتاد برخلاف وعده صریح آقای خمینی در پاریس بود که وعده داده بود حجاب آزاد است. ادامه راه اشتباه گذشته اشتباه بزرگتری است.


عدم حساسیت مسئولین، روحانیت و مراجع به مسائل مهمتری که به آن‌ها اشاره شد حکایت از این نکته دارد که حساسیت موجود نسبت به حجاب جنبه دینی ندارد زیرا اسلام هرگز بی‌حجابی را بدتر از اختلاس و ربا و جنایت و فقر و مانند آن نمی‌داند. اگر امروز حکومت نمی‌تواند به چیزهایی مانند گسترش رفاه، گسترش بیمه‌های تامین اجتماعی برای زنان، وجود یک قوه قضائیه مستقل و قدرتمند و ضامن عدالت، وجود یک نظام اداری پاک و امثال این‌ها افتخار کند، با حجاب اجباری زنان نمی‌تواند این شکست‌ها را جبران نماید.

آیا پیش بینی می‌کنید روزی در جمهوری اسلامی حجاب و اختیاری بودن آن به خود زنان واگذار شود؟

این بستگی دارد به بلوغ فکری جامعه، توان جامعهٔ مدنی و قدرت زنان برای دفاع از حقوق خودشان. به نظر من این احتمال وجود دارد که در آینده افراد عاقل‌تر و آگاه‌تری بر سر کار بیایند. در میان روحانیون هم هستند کسانی که با حجاب اجباری مخالفند. بسیاری از مردم هم با آن مخالفند و مطمئناً از مشاهدهٔ صحنه‌های ناگوار برخورد پلیس در خیابان‌ها با زنان ناراحتند، اما جامعهٔ مدنی و حتی نخبگان هنوز به طور شایسته در برابر ستمی که به زنان می‌شود موضع‌گیری نکرده‌اند. من فکر می‌کنم در آینده با حضور افراد آگاه‌تر این مسئله حل خواهد شد، زیرا چاره‌ای جز این نیست.

اشتراک‌گذاری این مطلب:

<http://zeitoons.com/7747?share=facebook&nb=1> 313 فیسبوک 

<http://zeitoons.com/7747?share=twitter&nb=1> توییتر 

<http://zeitoons.com/7747#print> چاپ 

<http://zeitoons.com/7747?share=email&nb=1> رایانامه 